

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۸۰

جمعه ۱۶ شهریور ۱۳۹۶، ۷ سپتامبر ۲۰۱۸

خامنه ای و تلاشهای بیهوده

بهرز مهرآبادی

در میان کشمکش باندهای مختلف جمهوری اسلامی رهبر وارد گود شد. بنظر میرسد که او بهتر از هر کس دیگر شرایط وخیم نظام را درک می کند. بحران وخیم اقتصادی امواج پشت سر هم اعتراضات و تظاهرات را بدنبال داشته است. فقر و فلاکت روزافزون، به غارت رفتن منابع آب و غارت و ویران سازی سایر منابع محیط زیستی زندگی را برای تمام کسانی که در ایران زندگی می کنند، غیر قابل تحمل کرده است. مردم در مقابل مسببین این وضعیت ایستاده اند. جنبش کارگری بصورت آتشفشانی در آمده و حتی هنوز که به نقطه انفجار نرسیده، غرش های آن سران جمهوری اسلامی را به هراس انداخته است. ترس رژیم از خیزش مردم را می توان در دستگیری فعالین مختلف سیاسی و اجتماعی دید. تنفر از آخوند و دستگاه مذهب چیزی نیست که بتوان از کسی پنهان کرد. کودکان دبستانی شعار مرگ بر خامنه ای سر می دهند و مردم روز روشن در خیابان آخوند را تعقیب کرده و میگویند که سگ از خامنه ای و آخوند خیلی تمیزتر است. دخالتگری اوباش رژیم در مورد حجاب بدون جواب نمی ماند و هر روز پوزه آمرین به معروف و ناهیان از منکر توسط زنان و جوانان به خاک مالیده میشود. دامنه اعتراضات حتی به صفوف درون نظام کشیده شده. حتی آنها که با گذشتن از صافی های رهبر به عضویت مجلس اسلامی در آمده اند

با فضای نظامی، امنیتی و علیه دستگیری ها در شهرهای کردستان

مقابله کنیم

طبق گزارشهای منتشر شده، در شهرهای سنندج و مریوان نیروهای انتظامی فضای این شهرها را نظامی کرده و اقدام به احضار و دستگیری تعدادی از فعالین اجتماعی کرده اند. امید اسدی از فعالان مدنی و کارگری، صبح روز ۳۰ مرداد ۹۷ در شهرستان کامیاران توسط نهادهای امنیتی بازداشت و در مکان نامعلومی بدون ملاقات در بازداشت بسر میبرد و جهت تفهیم اتهام به دادگاه برده شده است. در سنندج؛ جمال اسدی از اعضای گروه کوهنوردی "چل چه مه" و از فعالین زیست محیطی شهر سنندج پنجشنبه ۸ شهریور توسط نهاد های امنیتی احضار میشود. بر اساس احضاریه شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج، خلیل کریمی کارگر ساختمانی و از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران در شهر سنندج باید روز ۱۹ شهریور جهت رسیدگی به پرونده اش، خود را به آن شعبه معرفی کند.

مظفر صالح نیا و خالد حسینی، دو تن از فعالین کارگری، روز سه شنبه ۱۳ شهریور در سنندج از سوی ماموران امنیتی بازداشت شدند. بهنام ابراهیمزاده، دیگر فعال کارگری نیز از ۲۶ مرداد

صفحه ۳

هزینه های خدمات را نپردازید!

صفحه ۲

بازتاب هفته

کاظم نیکخواه

* دوستانی کمتر از انگشتان دست * تولید موشک و کمبود پوشک

صفحه ۴

* کودک زباله گرد در راس خیرها

سقوط ریال، سقوط معیشت و زندگی مردم،

پاسخ کارگران

شهلا دانشفر

صفحه ۵

سقوط آزاد بهای ریال

دلایل اقتصادی، دلایل سیاسی

علی جوادی

صفحه ۶

اتحاد شوم!

شهاب بهرامی

صفحه ۷

۹۸ منطقه ویژه اقتصادی، مراکز قاچاق باندهای حکومتی

محمد شکوهی

صفحه ۷

اطلاعیه ها:

* اعتراضات کارگری در روزهای اخیر

* تمامی بخش های نیشکر هفت تپه همچنان در اعتصاب

صفحه ۸

بسر میبرند

* با فضای نظامی، امنیتی و علیه دستگیری ها در شهرهای

صفحه ۱۰

کردستان مقابله کنیم

* زنده باد صف مردم آزادیخواه علیه نژادپرستی در شهر

صفحه ۱۰

کمنتس آلمان

نامه سرگشاده مینا احدی به همه احزاب و شخصیتهای سیاسی

صفحه ۸

ایرانی و سازمانهای مخالف اعدام!

بیانیه همبستگی سعید نعما دبیر کل فدراسیون اتحادیه های

صفحه ۹

کارگری در عراق با کارگران بازداشت شده در ایران

گزارشی در باره

اعتراضات مردم

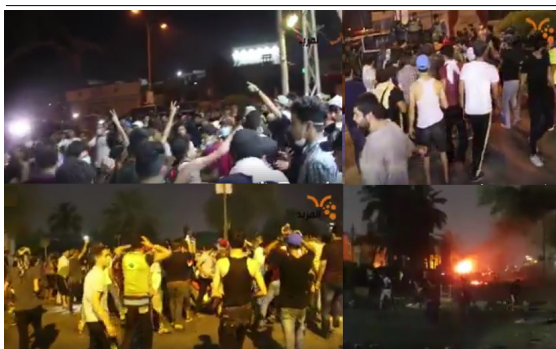
در عراق

هیوا احمد

ترجمه و یادداشت از

عبدل گلپریان

صفحه ۶



خامنه ای و تلاشهای بیهوده

از صفحه ۱

در پشت تریبون از فساد غیر قابل درمان نظام صحبت می کنند و مخاطبشان شخص خامنه ای است.

شکاف در درون باندهای رژیم از هر زمان دیگر بیشتر است. اما همه در یک نکته توافق دارند سرنگونی رژیم امری محتوم است. باید از فرصت استفاده کرد و قبل از سرنگونی تا آخرین لحظه غارت کرد و متواری شد. اما فرار و پنهان شدن برای بسیاری از دست اندرکاران رژیم عملی نیست. جنایات رژیم برای هیچ کس قابل انکار نیست و هر کدام از سران آن را در هر جای دنیا می توان به خاطر جنایت علیه بشریت به محاکمه کشید. از اینرو تلاش دارند تا جایی که زورشان میرسد قدرت را حفظ کنند.

خامنه ای میدانند که ادعایش در مورد "پیشرفت کشور و انقلاب" را کسی باور ندارد. دست پیش را می گیرد و میگوید: "بیان این موضوع به عنوان رجزخوانی نیست". اما این ادعا را سفره خالی و حقوقهای عقب افتاده کارگران می تواند گواهی دهد، اینرا کودکان زباله گرد می توانند شهادت دهند، اینرا همه کسانی که روز سه شنبه ۱۳ شهریور، دو روز قبل از سخنرانی خامنه ای، شاهد خودسوزی فردی مستاصل در مقابل شهرداری تهران دیده و یا خبر آن را شنیده اند، می توانند گواهی کنند و یا کسانی که از خودسوزی کارگر شهرداری در شادگان و یا دستفروش خرمشهری با خبرند. خامنه ای خودش هم به حرفهایش باور ندارد اما صحبت های ولی فقیه رجزخوانی نیست، مزخرف گویی و لاطانات است. کسی که فقط چند دقیقه در خیابانهای ایران قدم بزند یا یکی از گزارش رسانه های مجاز در باره فقر مردم را بخواند، باید احمق باشد تا این اراجیف را قبول کند.

سخنرانی خامنه ای در روز پنجشنبه در جلسه مجلس خبرگان آخرین تلاش ولی فقیه برای یک دست کردن نظام در مقابل نهادهای مردم است. هشدار می دهد: اگر در هر اوضاع و اقتضایی، آحاد مردم بویژه نخبگان، نسبت به شرایط و جایگاه نظام غفلت کنند، قطعاً ضربه خواهیم خورد". در پس لفاظی ها و مبهم گویی ها می توان شنید که سرنگونی نزدیک است باید فکری کرد. تنها راه چاره را در همراهی با دولت دولت میداند. اگر دعوا تشدید شود و همه دولت را هدف قرار بگیریم، مردم به سرمان میریزند. "شرایط امروز ما، شرایط حساسی است"، "دعوا کردن راه صلاح نیست". و "راه علاج مشکلات کشور، خالی کردن پشت دولت و ابراز برائت از فعالیت دستگاه های مسئول نیست". حمایت از دولت و حکم بر باقی ماندن روحانی به عنوان رئیس جمهور را خامنه ای چند هفته قبل داده بود ولی اعتبار سخنان او حتی دو روز هم دوام نیاورد. نارضایتی و اعتراضات عمیق مردم به شکاف های درون حکومت دامن زد. در هفته های اخیر اسناد زیادی از دزدی ها و اختلاس های وابستگان به دولت انتشار یافت. مجلس چهار پاسخ در مقابل پنج پرسش از رئیس جمهور را قبول نکرد. استیضاح و برکنار وزرای بیشتر و حتی شخص رئیس جمهور نظام یکی از بحث های مجلس اسلامی در هفته های اخیر بوده است. صحبت های اخیر خامنه ای هم دوام چندانی نخواهد داشت و اختلافات و جدال های درون نظام بالا خواهد گرفت.

سقوط دولت می تواند به معنای افزایش بی ثباتی و درگیری های درونی حکومت باشد و سرنگونی را تسریع کند. خامنه ای ناچار به دخالت شده است. اوضاع عوض شده و تشدید دعوا با جناح رقیب برای سهم خواهی بیشتر، خطرناک است باید سیاست دیگری در پیش گرفت: "در چنین شرایطی، در جنگل پر از تعارض سیاست بین المللی، شرایط و اقتضانات گوناگونی به وجود می آید که باید در هر شرایطی به تناسب آن و با دقت کامل عمل کرد". حمایت خامنه ای از دولت و تغییر سیاست چه در سیاست داخلی و چه در عرصه خارجی گرچه ممکن است برای مدت کوتاهی بر اختلافات سرپوش بگذارد ولی جمهوری اسلامی نه چاره ای برای پاسخ دادن به اعتراضات گسترده مردم دارد و نه امکان پایان دادن به کشمکش های درونی خود. تغییر سیاست و تغییر در موازنه قوا منافع بعضی جناحها را به خطر می اندازد. ارگانهای مختلف قدرت که خامنه ای از کارکرد آنها بعنوان "موازی کاری" نام می برد نمیتوانند به کاهش نفوذ و منافع خود رضایت بدهند. "موازی کاری" در جمهوری اسلامی به معنی ارگانها و نهاد های مختلفی است که هر کدام حیطه نفوذ و منبع درآمد های سرشار خود و حتی

صفحه ۲

هزینه های خدمات را نپردازید!

هزینه های آب و برق و گاز، شهریه مدارس و دانشگاه ها، هزینه بیمارستان و مترو و اتوبوس درون شهری خودداری کنیم. این کار عملی است و فی الحال هزینه های آب و برق و گاز از جانب بخش قابل توجهی از مردم پرداخت نمیشود و حکومت جرات قطع آنها در چنین ابعادی را ندارد.

کارگران و مردم زحمتکش!

حکومت میخواهد فشار برانرا را سر ما بشکند. مسبب این اوضاع فلاکتبار، مسبب بحران اقتصادی و تحریم، حکومت و مفتخوران حاکم اند. نباید اجازه دهیم پیش از این زندگی ما را به تباهی بکشانند. وقت آنست که در هر محله و شهری دست به کار شویم و از پرداخت این هزینه ها خودداری کنیم. در فضای اعتراضی امروز و با اتحاد یکپارچه ای که میان مردم وجود دارد این اقدامات کاملاً امکان پذیر است.

حزب کمونیست کارگری از کارکنان آب و برق، از کارکنان بیمارستان ها، از کارکنان مترو و رانندگان اتوبوس های شهری میخواهد در این زمینه با مردم همکاری کنند و از دستورات روسای خود برای قطع این خدمات به مردم سرپیچی کنند. روسای بیمارستان هایی که مقاومت میکنند باید افشا شوند و تحت فشار قرار گیرند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ شهریور ۱۳۹۷،

۷ سپتامبر ۲۰۱۸

پیش بسوی تشکیل شوراهای مستقل مردمی!

جامعه در اساس معنایی جز مردم ندارد. مردم باید خود جامعه را اداره کنند. کل نیروهای حرفه ای مسلح و پلیسی و نظامی و بوروکراتیک با هزینه مردم و برای به بند کشیدن مردم برپا شده اند. این بساط را باید جمع کرد. انقلاب آتی ایران میتواند الگوی آزادترین و انسانی ترین و برابرتین جامعه را به مردم دنیا نشان دهد.

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای

انسانی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ مرداد ۱۳۹۷، ۲۲ اوت ۲۰۱۸

خواست تشکیل شوراهای مستقل از درون مبارزات کارگری بگوش میرسد. کارگران برای دفاع از زندگی خویش، برای خلاصی از شر سرمایه داران انگل و مفتخوری که حتی حقوق توافق شده کارگر را هم در این مملکت بالا میکشند، به ضرورت تشکیل شوراهای مستقل برای نظارت و کنترل و اداره کارخانه رسیده اند. شوراهای مستقل یعنی اعمال اراده مستقیم مردم در اداره کل جامعه! شوراهای یعنی کارخانه و محله و شهر و کل جامعه بدست خود مردم اداره شود. تشکیل شوراهای مستقل یعنی جارو کردن بساط دزدان و چپاولگران حاکم. یعنی جمع کردن بساط پاسدار و پلیس و کل نیروهای مسلح و بوروکراتیک!

گزارشی در باره اعتراضات مردم در عراق هیوا احمد (ترجمه و یادداشت از عبدل گلپریان)

سپتامبر) نیز تظاهرات و اعتراضات همچنان ادامه پیدا میکند. مردم بقایای ساختمان استانداری را مجدداً به آتش کشیده و به خاکستر تبدیل میکنند. پس از آتش زدن استانداری، ساختمان شهرداری نیز به آتش کشیده شد. در جریان آتش زدن استانداری بصره، نیروهای حکومت به سوی مردم معترض و خشمگین تیراندازی میکنند که در این مرحله نیز یک نفر کشته میشود و ۲۵ نفر دیگر زخمی میشوند. در حال حاضر اعتراضات همچنان ادامه دارد.

در همین رابطه نماینده سازمان ملل در عراق و چندین عضو پارلمان و نماینده انجمن های شهر بصره خواستار راه حلی برای برطرف و آرام کردن اوضاع شدند. آنها اذعان میکنند که وضعیت از کنترل در حال خارج شدن است. (گزارش فوق توسط به زبان کردی توسط هیوا احمد تهیه شده است)

گزارش فوق بوضوح نشان میدهد که رویدادهای اخیر در عراق که از شهر بصره آغاز شده است مشابه اعتراضات مردم ایران در دیماه ۹۶ است. مردم از هذیانها و خزعبلات سران احزاب قومی و دینی که مدعی فرم بوده اند، عبور کرده اند. مردم عراق هم به این ترتیب اعلام داشتند که "دیگه تمامه ماجرا" و به این ترتیب در مقابل همه دسته جات حاکم ایستاده اند.

اعتراضات و خشم و ناراضیتهای مردم در بصره و دیگر شهرهای عراق با خیزش و حرکت انقلابی مردم ایران علیه حکومت اسلامی، از نظر مضمون یکی است. بانی اصلی فقر، فلاکت عدم دسترسی مردم ایران و عراق به کمترین امکانات و نبود مایحتاج اولیه زندگی، از آب و برق گرفته تا بقیه نیازمندهایشان، حکومتهای اسلامی حاکم بر مردم در این دو کشور هستند. در عراق وجود و حضور انواع دسته جات مسلح وابسته به احزاب و جریانهای مذهبی، قومی و کشتار مردم معترض توسط آنان این وضعیت را صفحه ۹

تجمع کردند و اعتراض خود را به نبود آب و برق و آلودگی کشنده آب آشامیدنی که بنا به آمارهای منتشر شده بیش از ۳۰ هزار نفر در اثر خوردن آب آلوده دچار مسمومیت شده اند، شروع شد. سپس در روزهای شنبه و یکشنبه دهم و یازدهم شهریور (۱ و ۲ سپتامبر) صدها نفر از جوانان شهر در اعتراض به این وضع خیابانهای اصلی بصره به بغداد و همچنین خیابان اصلی بصره که به مسیر ایران منتهی میشود را بسته و به کنترل خود در آوردند و از عبور و مرور کامیونهای حامل کالا جلوگیری بعمل آوردند.

مردم معترض و تظاهر کننده اعلام کرده اند که اگر به مطالباتشان رسیدگی نشود مراکز تولید سوخت و نفت را در کنترل خود خواهند گرفت. روز دوشنبه ۱۲ شهریور (۳ سپتامبر) اعتراضات مردم و جوانان در مقابل استانداری شهر بصره ادامه پیدا کرد. بدنبال آن نیروهای سرکوب حکومت، و نیروهای مسلح احزاب حاکم بظرف مردم تیراندازی کرده و با پرتاب گاز اشک آور بقصد پراکنده کردن آنان وارد عمل میشوند که در نتیجه یکی از تظاهرات کننده گان بنام "مکی یاسر عاشور" بوسیله گلوله نیروهای حکومت کشته میشود.

روز سه شنبه ۱۳ شهریور (۴ سپتامبر) در جریان برگزاری مراسم خاکسپاری "مکی یاسر عاشور"، که هزاران نفر در آن شرکت داشتند، مجدداً نیروها و باندهای مسلح حکومت و احزاب قومی اقدام به مقابله با جمعیت میکنند که در نتیجه بین مردم و آنان درگیری صورت میگردد. نیروهای سرکوب حکومت اقدام به تیراندازی بسوی مردم میکنند که در اثر آن ۶ نفر کشته و دهها نفر نیز زخمی میشوند. خشم و تنفر مردم در اثر این اعمال جنایتکارانه نیروهای مسلح حکومت اوج بیشتری میگیرد و همان روز مردم به ساختمان استانداری حمله میکنند و آنرا به آتش میکشند.

روز چهارشنبه ۱۴ شهریور (۵

تظاهراتهای روزهای اخیر در عراق در ادامه حرکتهای اعتراضی چند هفته گذشته که از شهر بصره آغاز شد و بیشتر شهرهای جنوبی و مرکزی را دربر گرفت، علیه نبود برق و آب، بیکاری و کلا فساد مقامات و دولت عراق بود که زندگی مردم را فلج کرده است. این اعتراضات بسرعت به خیابانها کشیده شد و وارد مرحله دیگری شد و به خیزشی علیه حاکمان و به قصد بزرگ کردن قدرت حاکمیت و باندهای مسلح دارو دسته های اسلامی تبدیل شد. توده های مردم هیچگونه آمیختگی به احزاب و نیروهای مذهبی، قومی و عشیره ای حاکم ندارند و می دانند که آنها ذره ای فرم بهبود در زندگی شان ایجاد نخواهند کرد و برای خواستها و مطالبات شان پاسخی ندارند. مردم میدانند که تنها با کنار زدن حکومت، احزاب و دستجات اسلامی در قدرت است که میتوانند خواستههایشان را متحقق کنند.

یک جنبه دیگر اعتراضات مردم عراق متوجه رژیم اسلامی حاکم بر ایران بود. مردم عراق میدانند که حضور و نفوذ سیاسی و نظامی حکومت اسلامی در میان دستجات حاکم بر عراق و حمایت این رژیم از احزاب و دستجات مسلح اسلامی شیعه، از نظر نظامی و مالی و در یک کلام نقش حکمرانی آنان بر عراق زندگی شان را فلج کرده و با تباهی کشانده است. به این خاطر اعتراضات مردم عراق هم علیه حاکمان عراق و هم علیه حکومت اسلامی است. برخی از شعارهای مردم خشمگین و معترض بصره علیه جمهوری اسلامی است. مردم عکسهای خامنه ای و برخی دیگر از مقامات حکومت اسلامی را به آتش کشیده اند. گفته میشود که نیروهای سپاه پاسداران و بسیجیان از طرف حکومت اسلامی برای سرکوب اعتراضات مردم به عراق اعزام شده اند.

اعتراضات و ناراضیتهای روزهای اخیر مجدداً از شهر بصره آغاز شد. در ابتدا صدها نفر در مقابل نهادهای حکومتی شهر

با فضای نظامی، امنیتی و علیه ... از صفحه ۱

در بازداشتگاه سپاه کرمانشاه در بازداشت است. (۹)

شهریور)، نیروهای امنیتی و اطلاعاتی در مریوان، به تجمع مدنی جوانان این شهر مقابل دکه شریف باجور یورش برده و دست کم ۱۰ نفر را بازداشت کردند. در میان دستگیر شدگان نام سیروان هوشمند گزارش شده است. پس از ۳۵ روز بی خبری از سرنوشت آرمان غفوری، شک و تردیدها حول وضعیت سلامتی او زیر شکنجه های مراکز سرکوبگر حاکمیت موجی از نگرانی و اخبار مختلف را دامن زده است، هیچ نهاد دولتی حاضر به پاسخگویی و دادن اطلاعات صحیح نسبت به سلامتی و مکان زندانی شدن او نیست.

مردم مبارز شهرهای کردستان!

حکومت جنایتکار اسلامی با دستگیری فعالین کارگری و اجتماعی و با امنیتی و نظامی کردن شهرهای کردستان، عمق وحشت و ترس خود از اعتراضات شما را به نمایش گذاشته است. نهادهای حکومتی تظاهراتهای توده ای و با شکوه شما در شهر مریوان در روزهای ۳ و ۴ شهریور را که در گرمیادداشت چهار جانباخته حادثه دلخراش آتش سوزی حومه شهر در اطراف سه سی و پیله برگزار شد، تجربه کرده اند. آنها شاهد یکی از رادیکال ترین کوه پیمایی صدها زن و مرد جوان در سنندج بودند. شرکت و حمایت و همبستگی سراسری فعالین اجتماعی از مبارزات و تظاهرات شما در شهرهای سنندج و مریوان جلوه ای دیگر از ابراز قدرت مردم را به نمایش گذاشت.

حکومت اسلامی تنفر عمیق و ناراضیتهای توده ای مردم کردستان را طی ۴ دهه گذشته تجربه کرده است. حکومت اسلامی از ترس فریاشی و جارو کردن نیروهای امنیتی و اداری اش توسط مردم کردستان، دست به میلیتاریزم و امنیتی کردن فضای سیاسی - اعتراضی مردم زده است. امنیتی کردن شهرها و دستگیری های اخیر نشانه ترس حکومت جنایتکار اسلامی از شما مردم مبارز و انقلابی است. با همفکری با اتخاذ اقدامات عملی فضای امنیتی نیروهای مزدور حکومت اسلامی را میتوان باید خنثی کرد. در محلات امکان برپایی اعتراض و تجمع را سازماندهی کنید. محلات را به کانون های اعتراض و تجمع تبدیل نمایید.

مردم کردستان، تجارب با ارزش و قابل اتکایی در مبارزه علیه حکومت اسلامی دارند. در روزهای سوم و چهارم شهریور در مریوان و نهم شهریور در سنندج تظاهرات و اعتراضات کوبنده با شرکت چند هزار نفر تجربه شده، مردم با قدرت تمام و تمام قد علیه حاکمان اسلامی ایستادند. با اتحاد و همفکری و با اتکا به تجارب مبارزاتی میتوانید فضای امنیتی حکومت اسلامی را خنثی کنید!

با برپایی تجمع و راه پیمایی نباید اجازه داد دستگیری ها ادامه داشته باشد و خواهان آزادی فوری دستگیرشدگان شوید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ شهریور ۱۳۹۷

۴ سپتامبر ۲۰۱۸

خامنه ای و تلاشهای بیهوده

از صفحه ۲

دستجات اوباش مسلح و زندانهای خود را دارند و به سادگی نمی توانند از درآمد هایشان بگذرند. تغییر سیاست و کاهش بخش هر کدام از ارگانها و نهادها موجب درگیری های بیشتر در درون نظام خواهد شد. خیزش های وسیع مردمی اینبار در ابعادی بزرگتری گسترده شده و بزودی شاهد اعتصابات گسترده تر و تظاهرات های عظیم تر مردم خواهیم بود که با هیچ میزان سرکوب و با هیچ ترسندگی نمی توانند مانع آن شوند. دور جدیدی از سازماندهی اعتراضات و اعتصابات سراسری آغاز خواهد شد. با شروع سال تحصیلی جدید و بازگشایی دانشگاه ها و مدارس باید منتظر تحرکات گسترده تر بویژه از سوی جوانان و دانشجویان باشیم. نصایح و توصیه های حتی اوامر ولی فقیه دردی از مشکلات جمهوری اسلامی درمان نمی کند. نسخه نهایه را اعتراضات گسترده تر و متشکل تر مردم در خیابانها خواهد پیچید.

تولید موشک و کمبود پوشک

کافی سلاح و بمب و موشک وارد میشود. اما تهیه پوشک و شیرخشک و دارو و نیازهای اولیه مردم به قول خودشان "به امان خدا" رها شده است.

جمهوری اسلامی از اساس حکومت جنگ و بحران و تروریسم و کشتار است. اینگونه زاده شده است. موشک و بمب و تفنگ از همه چیز برایش واجب تر است. بدون آنها بساط چپاولش دوام نخواهد آورد. اما نان و پوشک و شیرخشک و نیازهای اولیه زندگی مردم جایی در این سیستم ندارد. به این دلیل است که حتی نوزاد بیچاره ای هم که از سر بدشانسی در ایران متولد میشود از همان لحظه اول زندگی متحمل ناهنجاریهایی میشود که حکومت اسلامی به او تحمیل کرده است. بی دلیل نیست که اکثریت قریب به اتفاق جوانان و مردم این مملکت بطور جدی در تلاش خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی و زندگی کردن در فضایی آزاد و مرفه و بدون حکومت مذهبی و اسلامی هستند. مردم موشک و بمب نمیخواهند و از کشتارها و جنایات حکومت خسته شده اند. جامعه ای میخواهند که تهیه پوشک و شیرخشک و غذا برای کودکان و رفاه و زندگی انسانی برای همه مردم اولویت اولش باشد. نه آخر.

تامین و امنیت و رفاه برخوردار نیست. امید این مردم به حق به جنبش و خیزش گسترده ای است که برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی چندین ماه است که به جریان افتاده است و قطعاً گسترش بسیار بیشتری به انقلابی سراسری را خیلی زود خواهیم دید. مردم

صفحه ۱۰



این تیتراحتیاج به توضیح بیشتری ندارد. يك روزنامه رسمی در ایران دیروز با تیتراژ پوشک و موشک از جمله این طور نوشته است "با پارانه ۴۵ هزارتومانی و پوشک ۹۰ هزارتومانی انتظار فرزندآوری و افزایش جمعیت هم دارید؟ با بی تدبیری برخی مدیران" چقدر حقیر شده سقف بلند بودن مان «که درگیر پوشک شده ایم!..»

این روزها معضل نبود پوشک به مشکل جدی بسیاری از خانواده ها تبدیل شده است. یکی از مسئولین جمهوری اسلامی میگوید "مواد اولیه وارد نمیشود به همین دلیل توانسته ایم به اندازه کافی پوشک تولید کنیم!"

در مדיای اجتماعی ناتوانی در تولید پوشک با مقایسه تبلیغات بر سر تولید موشک به موضوع طنز و تمسخر جمهوری اسلامی تبدیل شده است. حکومتی که نمیتواند پوشک تولید کند و باید منتظر ورود مواد اولیه از خارج باشد اما ادعا میکند که میتواند موشک های دوربرد در داخل ایران تولید کند يك جایش بطور جدی میلنگد. هیچکس فکر نکرده و نمیکند که موشکهای جمهوری اسلامی در داخل ایران تولید میشود. همه میدانند که آنها هم تمام قطعاتش از روسیه و کره شمالی و جاهای دیگر وارد میشوند. اما بالاخره به اندازه

میکرد حمله کردند و او را هم کتک زدند. نمونه ها بسیارند. این ها صحنه های فیلم های جنایی هیجان انگیز نیست. خبر مستند است. رویدادهای روزمره ای در جامعه ای تحت حاکمیت جمهوری اسلامی سرمایه داران است که هیچکس جز مفتخوران سرمایه دار و آخوندهای میلیاردر و "آقازاده هایشان" از



بازتاب هفته

کاظم نیکخواه

دوستانی کمتر از انگشتان دست

کاری نداشته باشیم. اما انزوای جمهوری اسلامی و وحشت از بدبیا ریخته شدن آنچنان جدی است که نه فقط سران جمهوری اسلامی بلکه حتی اصلاح طلبان حاشیه حکومت را هم به وحشت انداخته است. اخیراً هاشم آقاجری از اصلاح طلبان شناخته شده حاشیه حکومت گفته است که مردم به دوراهی شورش و خودکشی رسیده اند و او هشدار میدهد که مردم به احتمال زیاد شورش را انتخاب میکنند. روشن است که مردم ایران مسیر "شورش" یا به بیان دقیقتر انقلاب علیه جمهوری اسلامی را انتخاب کرده اند و این انتخاب است که هم مصباح یزدی و هم آملی و هم آقاجری را به وحشت انداخته است.

مردم عزم کرده اند که جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و بطور واقعی راه دیگری ندارند. چشم انداز وحشتناک فلج عظیمتر اقتصادی که هم اکنون در راه است کارگران و اکثریت مردم را ناچار میکند که هرچه سریعتر برای دفاع از ابتدایی ترین سطح زندگی و حتی نان شب و رفاه حداقل حکومت اسلامی را به زیر بکشند. هرچه بخش بیشتری از مردم زودتر به این باور برسند مسیر سرنگونی حکومت و از هم پاشیدن شیرازه این دستگاه جنایت و چپاول سریع تر طی خواهد شد.

این روزها آخوندهای جمهوری اسلامی مدام وحشت خود از انزوای حکومت شان را اعتراف میکنند. مصاح یزدی این روزها در جمع سران بسیج گفت "نمیخواهم سیاهنمایی کنم اما در میان صد و خورده ای از کشورهای جهان کمتر از انگشتان یک دست دوست واقعی داریم. اکثریتشان به خون ما تشنه هستند". او در ادامه بر نقش بسیج برای دفاع از نظام تاکید میکند. مدتی پیش جوادی آملی یکی دیگر از آیت الله های جمهوری اسلامی از خطر به دریا ریختن آخوندها سخن گفته بود او در سخنانی مضحک میگوید: «کشور ۸۰۰ میلیونی! (چین) که نظامی کمونیستی و بی دین دارد ... ۸۰۰ میلیون را اداره می کند اما ما با داشتن امام حسین و امام علی نتوانستیم!.. جای نگرانی است که این همه مشکلات در نهایت مردم را به سوی قیام سوق دهد که در آن صورت همه ما را به دریا خواهد ریخت. به همین جهت حواس تان باشد. البته بسیاری از کشور فرار کردند یا جای فرار خود را فراهم آوردند اما ما جای فرار نداریم.»

به جنبه های مضحک این گفته ها در مورد امام حسین و امام علی و بی اطلاعی این آخوندهای راس حکومت از جمعیت چین و تعداد کشورهای جهان فعلاً

کودک زباله گرد در راس خبرها

گزارش را وارد میکنند و کودکان پاننده و حتی غیر پاننده از هیچ تامین و مسکن و رفاهی برخوردار نیستند و حتی برای تهیه نان باید زباله گردی کنند؟ چه کسانی زندگی را در افغانستان و ایران برای میلیونها نفر از مردم به جهنم غیرقابل تحمل تبدیل کرده اند؟ همه این سوالات قطعاً به ذهن هر انسانی که این دو فیلم کوتاه و خبرهایش را دنبال میکند، خطور خواهد کرد. و بذر شورش علیه کل این سیستم و این نظام کاشته میشود.

مامورین شهرداری در ایران را ما مردم میشناسیم که چه چاقوکشانی هستند. همین چند سال پیش یعنی مرداد سال ۹۳ بود که در تهران پارس علی چراغی کارگر بیکاری که با دستفروشی زندگی میکرد را جلوی چشمان حیرت زده مردم با پنجه بوکس کشتند. و مدتی بعد از مرگش حتی به پسر نوجوانش که که او هم بناچار با دستفروشی زندگیشان را تامین

ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی پاننده شده است. امیدش این بوده است که در ایران به امنیت و آسایشی برسد. اما چه نصیبش شده است؟ هیچ. نان شبش را با زباله گردی و گدایی پیدا میکند. تازه ناچار است برای خانواده اش در افغانستان نیز کمی پس انداز کند و بفرستد. زیرا پدرش يك پایش را روی مین از دست داده است و قادر به کار کردن نیست.

همین قدر اطلاعات آیا کافی نیست که انسان از کل این دستگاه کثیف حاکم در ایران و افغانستان و کشورهای دیگر متنفر شود که زندگی میلیونها نفر را به فاجعه ای تبدیل کرده اند؟

چرا این کودک که حدوداً ۱۳ یا ۱۴ سال دارد بی سواد است؟ چرا به ایران پاننده شده است؟ چرا در ایران يك مشت "آقا زاده" و آخوند و سرمایه دار نمیدانند با پولهای نجومی شان چه کنند و گران قیمت ترین و لوکس ترین اتومبیلهای چند میلیون دلاری و کالاهای کمیاب و

این هفته خبر تکان دهنده بریدن گوش يك کودک زباله گرد توسط مامورین شهرداری بسیاری از مردم را شوکه کرد. خبر خیلی زود در همه جا پیچید و به موضوع ابراز نفرت از جمهوری اسلامی و لمپنهای شهرداری تبدیل شد. جمهوری اسلامی زیر فشار این خبر فوراً به تکاپوی پیدا کردن این کودک که فیلمش در رسانه ها منتشر شده بود افتاد. او را پیدا کردند و مصاحبه ای با او ترتیب دادند که بگوید گوشش بریده نشده و با يك اتومبیل تصادف کرده و چند نفر او را مجبور کرده اند که بگوید زخم گوشش کار مامورین شهرداری بوده است. اما از خلال مصاحبه خبرنگار رسانه دولتی جوانب دیگری از زندگی این کودک برملا میشود که کیفرخواستی محکم تر علیه حکومت اسلامی و کل سیستم سرمایه داری است. معلوم میشود که این کودک افغانستانی است و چند ماهی است که از کشور جنگ زده افغانستان به همراه عمویش به

سقوط ریال، سقوط معیشت و زندگی مردم، پاسخ کارگران

شهلا دانشفر



از کارگران فرستادن کودکانشان به مدرسه زیر سوال است، اگر آب نیست، اگر برق نیست، اگر دارو نیست و بخاطر نبود کمترین تامینی، زندگی و معاش بخش بسیاری از جامعه در خطر است، حرف کارگر و حرف مردم اینست که بحرانتان به ما مربوط نیست. گورتان را گم کنید و بروید. ما خواهان یک زندگی انسانی هستیم. پاسخ جامعه دفاع از زندگی و کرامت انسانی اش و تعرض به کل ارکان حکومت اسلامی و گرفتن حق و حقوقش است. راه رسیدن به این انتخاب وارد عمل مستقیم شدن خود کارگران و مردم با قدرت شوراهای مستقل سراسری شان است. با ایجاد کمیته های هماهنگی اعتصابات و رفتن بسوی اعتصاب سراسری کارگری است. وقتی به اعتراضات کارگری و به اعتراضات بخش های مختلف، مردم معترض نگاه میکنیم، میشود به روشنی دید که جامعه همین مسیر را به پیش گرفته و به جلو گام برمیدارد. برای نمونه همین الان در میان معلمان که همواره نقش ارزنده ای در جلو آوردن گفتمان های برابری طلبانه داشته اند، زمزمه های برپایی اعتصابی سراسری برای افزایش فوری حقوقها و خواستهایی چون درمان رایگان، تحصیل رایگان و آزادی معلمان زندانی بالاست و برای سیزدهم همراه به تجمع سراسری اعتراضی فراخوان داده اند. همچنین کارگران راه آهن یک هفته است که دور جدید اعتصابات سراسری خود را آغاز کرده و قبلاً با بیانیه هفت ماده ای خود بر خواست های مهمی چون حق ایجاد تشکل، حق برپایی تجمع، پرداخت به موقع و سر وقت دستمزدها، لغو قراردادهای موقت، توقف اخراجها و حق داشتن درمان تاکید کردند. ۶ هزار کارگر نیشکر هفت تپه دو هفته اعتصاب

صفحه ۲

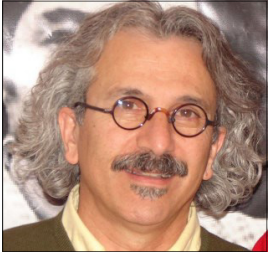
تر و قدرتمندتر وارد میدان مبارزه میشوند و خواستههایشان را طلب میکنند و از سوی دیگر جدال باندهای مختلف حکومتی بیش از هر وقت بالا گرفته است. در سطح بین المللی نیز حکومت اسلامی بیش از هر وقت در انزوا و زیر فشار قرار دارد. نتیجه اینکه امروز بیش از هر وقت شرایط برای اعتصابات سراسری کارگری و جلو آمدن بخش های مختلف جامعه با خواستههای تعرضی و سراسری خود فراهم است. برای دفاع از ابتدایی ترین سطح زندگی انسانی راه دیگری نیز جز این نیست. بنابراین اگر با سقوط ریال ارزش همان دستمزدهای چند بار زیر خط فقری که به کارگر تعلق میگیرد، کمتر و کمتر میشود، حرف کارگر در اعتصابات و اعتراضات هرروزه اش اینست که باید دستمزدش فوراً افزایش یابد و داشتن یک زندگی انسانی حق مسلم اوست. حرف کارگر اینست که در برابر سرقت آشکار دستمزدش می ایستد و باید دستمزدها بموقع پرداخت شود، حرف کارگر اینست که باید امنیت شغلی داشته باشد و اگر بیکار است باید از بیمه بیکاری و یک زندگی شایسته انسان برخوردار باشد و خلاصه کلام اینکه حرف کارگر و حرف مردم، حرف همان معلمی است که در تجمع اعتراضی در بوشهر پلاکارد نه به تفاوت فاحش طبقاتی را بر دست گرفت و شعار معیشت، منزلت، حق مسلم ماست را سرداد. به عبارت روشنتر اگر ارزش گرانی میشود و در نتیجه آن قیمت ها سرسام آور بالا رفته و سطح زندگی مردم هر روز بیشتر به دره فقر و تباهی سقوط میکند، اگر تولید کارخانجات متوقف شده و بازار بچاپ و بچاپ و احتکار بالا میگیرد و در کنار بیکاری عظیم میلیونی، موجی از بیکارسازیها به راه افتاده است، اگر مردم بخاطر محرومیت از پایه ای ترین بیمه های اجتماعی چون درمان رایگان و تحصیل رایگان و تسهیلات لازم برای تامین مسکن محرومند و در این آستانه سال جدید، برای بسیاری

چالش میکشد. و یا وقتی کارگر گروه فولاد ملی اهواز میگوید که "ما اهرم اقتصادی دست کسی نیستیم و هیچ سرمایه داری نمیتواند بیاید ما را اهرم قرار دهد، برای اینکه اقتصادش بهتر شود، بلکه ما خود چرخه صنعتیم و قدرت خودمان را میدانیم" و بعد نیز بر ایجاد شورای مستقل کارگری به عنوان یک راه کار فوری تاکید میگذارد، دارد به کل جامعه راه نشان میدهد. اینها همه گوشه های کوچکی از اتفکات بزرگتر و شورانگیزتری است که کل حاکمیت و دارو دسته هایش را چنین به هراس انداخته است. همین چند نمونه نشان میدهد که کارگران راه شورش و انقلاب را میشناسند و برای آن تلاش میکنند. و شوک این وضعیت است که سنگینی اش در سخنان آقاجری و تک تک سران حکومتی و دارو دسته هایشان دارد خود را نشان میدهد. پاسخ کارگران چیست؟ فروپاشیدن هر روز بیشتر اقتصاد جمهوری اسلامی دارد هستی و زندگی بخش عظیمی از مردم را به نابودی میکشد. این وضعیت باعث شده که اقتصاد به موضوع مهم سیاست تبدیل شود. از جمله در تقابل با ابعاد تکاندنده فقری که بر کرده مردم تحمیل شده، کارگران و مردم ایستاده اند و جنگی هر روزه بر سر زندگی و معیشت در جریان است. و نه تنها این بلکه جنبشی برای رها کردن جامعه از شر سرمایه داران چپاولگر و حکومتشان به جریان افتاده است جنبش سرنگونی هر روز قدرتمندتر به جلو گام برمیدارد. نمونه بارز آن اعتراضات گسترده کارگری و بخش های مختلف جامعه علیه فقر، تبعیض و نابرابری و کل بساط دزدسالار حاکم است. اعتراضاتی که یک پایه محکم جنبش سرنگونی را تشکیل میدهد. فشرده تر کردن و گسترش این مبارزات در واقع پاسخ فوری به اوضاع امروز است. واقعیت اینست که رژیم اسلامی مستاصل تر از هر وقت در برابر طوفان خشم مردم قرار گرفته است. از یکسو مردم هر روز سازمانیافته

مطلق و نابود شدن معیشت و زندگی میلیونها مردم را در بر میگیرد. جالب اینجاست که در رابطه با این اوضاع هاشم آقاجری از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران اخیراً طی سخنانی اظهارش اینست که مردم به انتخاب بین شورش و خودکشی رسیده اند. اما آشکار است که نگرانی او از "شورش" یا در واقع انقلاب مردم است. روشن است که جامعه خود کشی را انتخاب نمیکند و نکرده است و این را خود او هم خوب میداند. بلکه همه شواهد انقلاب را در چشم انداز نزدیک جامعه قرار داده است. از جمله خیزش دیماه مردم، خیزش های شهری در فاصله دیماه تا کنون بر سر پایه ای ترین مسائل معیشتی چون قطعی آب و برق و طوفان های شنی و بلایا و مصائب بیشمار دیگری که مردم بدون کمترین امکان زیستی در چنگال آنها رها شده اند، به راه افتاده است. همچنین اعتصابات سراسری قدرتمندی چون اعتصاب رانندگان کامیون و کامیونداران و اعتصابات کارگران هفت تپه و راه آهن و فولاد اهواز و فراخوان های سراسری به اعتصاب در بخش های مختلف، گفتمان اعتصاب سراسری را به عنوان یک راهکار فوری و عاجل داغ کرده است. و خلاصه کلام سیر پرشتاب تحولات سیاسی جامعه گویای آشکار این حقیقت است. در همین راستا سخنان کارگر هفت تپه بسیار مهم و گویاست که میگوید در وضعیت اقتصادی امروز کشور تنها راه نجاتش شوراهای مستقل کارگری و مردمی و نظارت آنها بر عملکرد دولت و نهادهای دولتی و مقابله با فساد از بالا تا پایین است. و یا وقتی که او از وضعیت خراب اقتصادی سخن میگوید همه حرفش اینست که آیین طبقه سرمایه دار است که چنین وضعیتی را بوجود آورده است چرا باید طبقه کارگر هزینه اش را بدهد؟. همین سخنان که حرف دل همه کارگران و مردم شریف است کل بساط چپاول و غارت سرمایه داری حاکم را به

سقوط ریال و صعود بیسابقه نرخ ارز، نشان بارزی از بحران عمیق اقتصادی و سیاسی حکومت اسلامی است که تار و پودش را گرفته است. همانطور که بارها اشاره کرده ایم رابطه با آمریکا یک پارادوکس لاینحل برای حکومت اسلامی و هم برای آمریکاست. جمهوری اسلامی به رابطه با غرب نیاز دارد تا بتواند به بازار جهانی راه پیدا کند و تکانی به لاشه بیجان اقتصادش بدهد. اما هویت این رژیم ضدید با آمریکا و غرب است و با همین هویت تروریسم در منطقه را تغذیه میکند و ارزش مصرف داخلی اش نیز سرکوب هر اعتراض تحت عنوان دشمنی با آمریکا بوده است. آمریکا نیز با خروج از برجام و تشدید تحریم ها تلاش دارد تا بلکه موقعیت از دست رفته اش در این منطقه را جبران کند و زیر این فشارها جمهوری اسلامی را با شرط و شروط خودش پای میز مذاکره بنشاند. در این مناقشه این کارگران و کل جامعه هستند که قربانی میشوند. از جمله سقوط ریال و رشد نجومی قیمتها و عواقب اجتماعی آن از تبعات فاجعه بار این وضعیت است. در هفته اخیر رکوردهای تازه ای در نرخ دلار جا به جا شد و آخرین رسیدن قیمت آن به بالای ۱۵۰۰۰ تومان است. حسین راغفر از اقتصاد دانان شناخته شده حکومتی اخیراً طی گزارشی از افزایش تورم بالای ۴۴ درصدی سخن میگوید. او در گزارش خود همچنین از در پیش بودن تورم بالای ۱۴۰ درصدی در بخش صنعت و بیکارسازی های وسیع و گسترش فقر در جامعه، و از غارت انبارها و زمین گیر شدن تولید هشدار میدهد. به عبارت روشنتر با سقوط ریال نه تنها دستمزدهای چند بار زیر خط فقر کنونی کارگر چندین بار دیگر ارزشش سقوط میکند، بلکه اثرات آن بسیار فاجعه بار تر است و بیکاری میلیونی در جامعه و رها شدن مردم در چنگال بی تامینی

سقوط آزاد بهای ریال دلایل اقتصادی، دلایل سیاسی



علی جوادی

دلار از مرز ۱۵۰۰۰ تومان نیز گذشت. در روزهای اخیر بهای دلار بطور شگفت انگیزی روزانه افزایش یافته است. بطوریکه قیمت دلار در سال گذشته نزدیک به ۵ برابر شده است. معنای این تغییر قیمت دلار در بازار، با توجه به اقتصاد سرمایه داری ورشکسته و اینکه بیش از ۸۰ درصد کالاهای مورد نیاز مردم بر مبنای واردات صورت میگیرد، برای توده های مردم زحمتکش کاملا روشن است. افزایش روزمره و سرسام آور قیمت کالاهای مورد نیاز مردم. فقر و فلاکت بیشتر بر متن فلاکت گسترده و سازمان یافته ای که حکومت اسلامی بر مردم تحمیل کرده است. به چند سؤال پایه ای در این باره باید پاسخ داد. دلایل این وضعیت اقتصادی چیست؟ در بررسی دلایل این وضعیت باید به فاکتورهای اقتصادی و سیاسی عمده و اساسی بطور فشرده اشاره کرد.

دلایل مایکرو و ماکرو اقتصادی کدامند؟

در بررسی دلایل تغییر و افزایش بی سابقه دلار معمولا مفسرین رژیم اسلامی و سرمایه به معادله عرضه و تقاضا در این چهارچوب اشاره میکنند. و از افزایش میزان نقدینگی در دست بخش خصوصی در جامعه شروع میکنند. میگویند افزایش حجم نقدینگی این بخش و تلاش برای تبدیل این نقدینگی از ریال به دلار به افزایش تقاضا برای دلار و لاجرم به افزایش قیمت دلار منجر شده است. در همین چهارچوب به فاکتور تحریم های اقتصادی و کاهش قدرت حکومت اسلامی برای فروش نفت و کالاهای تولیدی در سطح بین المللی و درآمد ارزی رژیم نیز اشاره دارند. تخمین ها ناشی از آن است که میزان فروش نفت روزانه نزدیک به یک میلیون بشکه کم شده است. و این میزان به ازاء هر بشکه ۷۰ تا ۸۰ دلار به مبلغی حدود بیست و پنج میلیارد دلار در سال تبدیل میشود. این

انباشت عظیم ثروت و سرمایه در دست حکومتیان و اعوان و انصارشان. از این رو هر راه حل اقتصادی برای تغییر و بهبود اوضاع در درجه اول در گرو سرنگونی رژیم اسلامی و تعیین تکلیف با حکومت اسلامی و سرمایه در ایران است. سرنوشت اقتصادی چنین رژیمی روشن است. واقعیت این است رژیمی که به لحاظ اقتصادی در عصر جهانی بودن سرمایه در موقعیت انزوا قرار دارد، رژیمی که یک طرف تخصصات جهانی در منطقه است، قادر نخواهد بود رونقی به اقتصاد بحران زده خود دهد. نه گفتگوی تمدنها و نه برجام درمانی برای این معضل اقتصاد حکومت اسلامی نبوده و نیستند. غول اقتصاد سرنوشت رژیم اسلامی را رقم زده است.

آیا در تحلیل روندهای اقتصادی ای که منجر به سقوط بهای ریال شده است، مساله تحریم ها را دست کم نگرفته ایم؟ اینکه تحریمهای اقتصادی و بانکی تاثیرات مهمی در گسترش ابعاد این موقعیت داشته اند، قابل انکار نیست. اما همین تحریم ها هم در دورانهای متفاوت و به درجات متفاوتی اعمال شده اند، پیش و پس از برجام. در این دوران ها هم قیمت دلار افزایش پیدا کرد اما آنچه که اکنون شاهد آن هستیم، ناشی از مولفه های دیگری هم هست. و این سؤال ما را به مساله سیاست و سرنوشت سیاسی حکومت اسلامی میرساند.

دلایل سیاسی سقوط ریال

اگر غول اقتصاد سرنوشت اقتصادی رژیم اسلامی را رقم زده است، سیاست زمان و دقایق آن را روشن و روشن تر کرده است. در همین راستا اعتراضات گسترده توده ای در شهرهای مختلف ایران تصویر سقوط و سرنگونی رژیم اسلامی را در چشم انداز قرار داده است. واقعیت مهم این است که مردم به این باور رسیده اند که میتوانند رژیم اسلامی را سرنگون کنند و پایانی بر این کابوس چهل ساله بگذارند. و نه تنها

این باور عمومیت یافته و جامع است بلکه پروسه عملی آن آغاز شده است. اعتراضات گسترده توده ای سوت آغاز این جدال سرنوشت ساز بود. به این اعتبار آنچه که تغییر کرده است، این است که روشن شده است، جمهوری اسلامی رفتنی است. راه حلی ندارد، هر روز ادامه بقایش چیزی جز نابودی بیشتر جامعه نیست، پس باید سرنوشتش کرد. به این اعتبار است که حتی بخشهایی از سرمایه در ایران با توجه به ریسک سیاسی و اقتصادی موجود، هر چه بیشتر مصمم اند که ثروتهای نجومی خود را به دلار تبدیل کنند. به همین دلیل است که حتی گله ای از اوایش حکومتی در صد خارج کردن دلارهای خود هستند و بخش وسیع تری در حال تبدیل سرمایه های خود به دلار و طلا. این واقعیات و مشاهدات زمینه سیاسی چنین تغییر و تحولی در بهای دلار و سقوط ریال هستند. امروز برای هر ناظری روشن است که رژیم اسلامی رفتنی است. مردم نمیخواهندش و پروسه عملی

سقوط ریال، سقوط معیشت ...

از صفحه ۶

بازنشستگان، و بخش های مختلف جامعه به روشنی میتوان دید. از جمله مردم در اعتراضاتشان با شعارهای چون زنده باد کارگر، مرگ برستمگر، حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی، کشور ما دزدخونه است، توی جهان نمونه است، نه به شکاف عظیم طبقاتی، معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، بطور واقعی دارند اعتراض خود را به کل بساط سرمایه داری دزد سالار حاکم اعلام کرده و جامعه ای انسانی و مرفه و برابر را فریاد میزنند. این واقعیت را باید دید و به آن شفافیت داد. این واقعیت را باید دید و قدرتمند و یکصدا اعلام کرد که پاسخ سوسیالیسم است.

زنده باد سوسیالیسم

شهاب بهرامی

صد سال پیش در چنین روزی (سوم سپتامبر ۱۹۱۸) واحد های نظامی دولت آمریکا، به منظور کمک و تقویت نیروهای ضد انقلاب موسوم به ارتش سفید و قلع و قمع ارتش سرخ، همچون تسریع در سرنگونی حکومت نوپای بلشویکی، بنبر "آرخانگل" را به اشغال خود درآوردند. قبل از این، نیروهای نظامی ژاپن، انگلستان و فرانسه در بنبر "ولادی وستوک" واقع در سیبری نیز به همین منظور مستقر شده و آنجا را به تصرف درآورده بودند.

عملیات نظامی کشورهای خارجی از فوریه ۱۹۱۸ یعنی چهارماه بعد از پیروزی "انقلاب بلشویکی" آغاز شد، نیروهای آلمان، اتریش و دولت عثمانی، بخشهای وسیعی از خاک شوروی را به تصرف خود درآوردند، افزون بر این چندین کشور دیگر نیز بطور رسمی و علنی با اعزام نیرو، تدارکات و تجهیزات جنگی، به سایر کشورهای متجاوز پیوستند. پادشاهی رومانی، پادشاهی ایتالیا، پادشاهی صربستان، پادشاهی مجارستان، جمهوری لهستان، و

اتحاد شوم!

پادشاهی یونان از جمله این کشورها بودند. یکی از اهداف اتحاد کشورهای اروپائی این بود که انقلاب را شکست داده و تزار را دوباره بر تخت سلطنت بنشانند در عین حال از سرایت انقلاب به کشورهای خود جلوگیری کنند. یکسال قبلتر و در کوران جنگ جهانی اول، این کشورها در سه اتحاد نظامی علیه یکدیگر می جنگیدند، با پیروزی انقلاب، این دشمنان قدیمی، اما علیه آن با هم متحد گشتند. کمونیسمی که ۷۰ سال قبلتر از انقلاب اکتبر، در "مانیفست کمونیست" همچون شبی بر فراز اروپا در گشت و کنار بود، دیگر بر زمین نشسته و کابوسی مرگبار را برای بورژواها و مرتجعین جهان به ارمغان آورد. روزنامه های بورژوازی از نیویورک و واشنگتن و اتاوا، از پاریس تا لندن و برلین از سگهای وحشی بلشویک سخن گفتند، در این میان البته فراموش نکردند تا از نجابت و کرامت کارخانه داران و سرمایه داران عزیز که بیش از همه آسیب دیده اند بنویسند. از اشرافیت خلع ید شده، از خانواده تزار و رومانوف ها که چه مظلومانه سرنوشتشان بدست برده های زنجیر بریده بی سرو پا رقم خورد.



فراگیر از بین رفتند. کشور نوپای شوراهای که زیر فشار تلفات میلیونی و خرابی های پنجساله جنگ اول جهانی تازه پیا خواسته بود، اینبار در اثر فاجعه پنج سال جنگ داخلی، بی رمق و ناتوان به امید پیروزی انقلابات کارگری در کشورهای دیگر بویژه آلمان به تلاشهای بی وقفه اش برای برپائی دنیائی بهتر ادامه میداد. امری که هرگز متحقق نشد. پس از شکست آلمان در جنگ اول جهانی دولت این کشور سلاحهایش را بطرف انقلابیون این کشور نشانه رفت، بیش از سه هزار نفر از اعضای اسپارتاکیستها و حزب کمونیست آلمان و رهبرانشان، روزا لوکزامبورگ و کارل لیبنکنشت به جوخه اعدام سپرده شدند. در فنلاند که چند ماه بعد از انقلاب از روسیه مستقل شده بودند با کمک دولت های آلمان و سوئد به قلع و قمع کردن کمونیستها مبادرت کرده و همانسال بیش از بیست و سه هزار نفر از فعالین کمونیست را اعدام نمودند. در خود جمهوری سوسیالیستی شوروی دهها هزار نفر از بلشویکها و اعضای حزب در جنگ داخلی کشته شدند، خود لنین رهبر انقلاب چند ماه بعد از پیروزی انقلاب ترور شد و سه سال بعد عملا

از صفحه سیاست و رهبری انقلاب محو شد. کمونیستهایی هم که در جنگ داخلی زنده مانده بودند بدست استالین معلوم شدند. در چنین اوضاعی شرایط مادی و زمینیه قدرت گیری ناسیونالیسم صنعتی روسی فراهم شد. استالین بعنوان قهرمان ناسیونالیسم صنعتی جانشین لنین شد. سرمایه داری دولتی بجای سوسیالیسم، زیر اتیکت و تحت نام "سوسیالیسم در یک کشور" نشست. شکست انقلاب پرولتری از این تاریخ قطعیت یافت. انقلاب بردگان مزدی، باز هم شکست داده شد.



اما شیخ اکبر در چهار گوشه جهان بر فراز بورژوازی هنوز می چرخد، قرن بیست و یکم قطعاً و باید قرن انقلابات پرولتری باشد، یا سوسیالیسم پیروز شده و جهان را از شر هیولای سرمایه می رهند یا سرمایه دارها کل حیات را از زمین محو می کنند، راه سومی وجود ندارد.

صفحه ۹

۹۸ منطقه ویژه اقتصادی، مراکز قاچاق باندهای حکومتی

که در راس این مناطق قرار دارد پاسخگو می باشند.

فعالیت های عمده این مناطق در عرصه صادرات و واردات بخوان قاچاق رسمی از مراجع قانونی می باشد. آنچه حکومت از آن به عنوان "تامین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج به منظور انتقال فناوری های پیشرفته" در این مناطق صحبت می کند، چیزی نیست بجز واردات از خارج، احتکار و گرانفروشی و بدست آوردن سودهای سرسام آور این مناطق تامین کننده مهم نیازهای ارزی حکومت و تبدیل آن به ریال برای تامین هزینه های هنگفت کل حکومت و دولت می

اما این مناطق چه کار می کنند؟ چه نقشی در توسعه اقتصاد حکومتی دارند؟

مناطق ویژه اقتصادی، مناطقی از کشور هستند که بین باندهای قدرتمند نظام، از سپاه، بسیج و نهادهای حکومت گرفته تا دولت تقسیم شده اند.

ارگان "دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری صنعتی و ویژه اقتصادی" بر فعالیت این مناطق نظارت دارد. این شورا در مشورت با نهاد های بانفوذ حکومت؛ بیت رهبری؛ خامنه ای روحانی تعیین میشوند. این مناطق خارج از کنترل گمرک و نهادها و وزارتخانه های دولتی باشند و فقط به شورای عالی

مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور و به منظور انتقال فناوری های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تامین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج، به دولت اجازه داده می شود، این مناطق را راه اندازی بکند.

لازم به توضیح است که این مناطق عملتا درنادارو اسکله های کنار دریا و رودخانه های بزرگ، نواحی مرزی کشور تشکیل میشوند. طبق اعلام "دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری صنعتی و ویژه اقتصادی" دهها منطقه آزاد بزرگ تا کنون تشکیل شده است.

سایت مجلس روز یکشنبه این هفته در این باره گزارش داد: "دولت پیشنهاد ایجاد ۱۲ منطقه ویژه اقتصادی را به مجلس ارایه کرد که نمایندگان علاوه بر موافقت با ایجاد این مناطق، تصویب کردند که ۸۶ منطقه ویژه اقتصادی دیگر هم ایجاد شود بر این اساس ۹۸ منطق ویژه اقتصادی ایجاد می شود. لازم به توضیح است نمایندگان ایجاد مناطق ویژه اقتصادی را در راستای "اقتصاد مقاومتی" نامیده و خواهان گسترش این مناطق می باشند.

حکومت مدعی است است: "ایجاد این مناطق در راستای تحقق بند ۱۱ سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی مبنی بر توسعه عمل

اعتراضات کارگری در روزهای اخیر

نامه سرگشاده مینا احدی به همه احزاب و شخصیت‌های سیاسی ایرانی و سازمانهای مخالف اعدام!



امروز همه باید متحدانه بپای خیزیم و بگذاریم حکم اعدام سه فعال سیاسی اجرا شود.
دوستان گرامی!

همانگونه که اطلاع یافتید، جمهوری اسلامی ایران از خانواده زانیار و لقمان مرادی که سالهاست حکومت آنها را به گروگان گرفته و علیه هر دو حکم اعدام صادر کرده، خواسته است آخرین ملاقات را با این دو زندانی سیاسی انجام دهند. ما همچنین قبلاً به همه اطلاع دادیم که حکومت اسلامی این روزها قصد اجرای حکم اعدام رامین حسین پناهی را دارد و با تماسی که ما با خانواده های این زندانیان داشتیم، همه نگران اجرای حکم اعدام عزیزان خود در همین جمعه و یا فردا شنبه در زندان رجایی شهر هستند.

شما همه میدانید که اعدام همواره یک حربه حکومت اسلامی برای ساکت کردن مردم بوده و در این مورد یعنی اعدام سه فعال سیاسی از کردستان (زانیار و لقمان مرادی و رامین حسین پناهی) حکومت اسلامی میخواهد از این طریق آتش اعتراضات علیه خود را ساکت کند.

مبارزه علیه اعدام نه فقط یک مبارزه در دفاع از حق حیات و علیه قتل عمد دولتهاست، بلکه در عین حال مبارزه ای است برای مقابله با فضای رعب و وحشتی که جمهوری اسلامی میخواهد آنرا در جامعه گسترش بدهد.

من بعنوان یکی از فعالین علیه اعدام که در کمیته نجات زانیار کارگران بی حقوق هفت تپه ایستاده اند. در مقابل این صف ضدکارگری تنها میتوان با اتحاد، یگانگی و همبستگی کارگری مقاومت کرد. در مقابل این صف سرمایه داران و زمین خواران و مدافعین آنها تنها می توانیم بر نیروی متحد خودمان و بر تشکلات مستقل و نمایندگان منتخبان تکیه کنیم. در مقابل صف مدافعین کارفرما تنها میتوانیم به صف کارگران متحد و متشکل اتکا کنیم. اجازه ندهیم عوامل کارفرما، عناصر دست

بیکار شدن از کار مقابل ساختمان اداره کار و فرمانداری شهرک صنعتی البرز دست به تجمع زدند. در حین این تجمع طی جلسه ای که مسئولان فرمانداری با کارگران داشتند، به آنان وعده هایی داده شد و کارگران روز ۱۱ شهریور موقتاً به تجمع خود خاتمه دادند. خواست کارگران بازگشت فوری به کار و انعقاد قرارداد دائم کاری است.

علاوه بر این اعتراضات، اولتیماتوم ۴۰۰۰ کارگر گروه ملی فولاد اهواز که اعلام کرده اند اگر وعده ها عملی نشود دوباره به میدان خواهند آمد، ادامه اعتراض ۶۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه با تاکید بر خواسته هایشان و اعتصاب سراسری کارگران راه آهن در شهرهای مختلف که دور جدیدش از هفت گذشته آغاز شده است، سرتیتر مهم اخبار اعتراضی کارگری را تشکیل میدهند.

حزب کمونیست کارگری بر گسترش اعتراضات، بر حضور خانواده های کارگری و همبستگی مردم با مبارزات و خواست های کارگران، ایجاد شوراها مستقل کارگری و اعتصاب سراسری کارگری در مقابل توحش و بربریت حاکم تاکید میکند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری!
حزب کمونیست کارگری ایران

شاغل در شهرداری را حداکثر تا دو روز آینده دادند.

تجمع کارگران شیر پگاه تهران
روز ۱۳ شهریور گروهی از کارگران کارخانه صنایع شیر پگاه تهران، در اعتراض به تصرف اراضی متعلق به کارگران در منطقه تهران پارس دست به تجمع زدند. بنا بر خبر از حدود ۲۰ سال پیش صنایع شیر پگاه رسماً به بیش از ۷۰۰ کارگر این واحد صنعتی، قطعه زمینی به وسعت حدود ۱۵۰ هزار متر را در محبوسه شهرک حکیمیه تهران پارس واگذار کرد. اکنون این زمینها توسط یکی از نهادهای دولتی تصاحب شده و بدنبال شکایت کارگران علیرغم صدور حکم تخلیه از سوی دستگاه قضایی، کسی جواب کارگران را نمیدهد و زمین های آنها به تاراج رفته است.

اعتصاب کارگران پتروشیمی فارابی وارد پنجمین روز شد
روز ۱۱ شهریور اعتصاب کارگران پتروشیمی فارابی در قسمت مخازن در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و در واقع سطح نازل دستمزدها وارد پنجمین روز خود شد.

اعتصاب کارگران کارخانه تولی پرس موقتاً پایان یافت
کارگران کارخانه تولی پرس قزوین در روز دهم شهریور در اعتراض به تعطیلی کارخانه و خطر

پرداختن دستمزدها، موج وسیع بیکارسازی، سطح نازل دستمزدها و قراردادهای موقت کاری موضوع اعتراض هر روزه کارگران علیه کارفرمایان و نهادهای حکومتی است که در کارخانجات و شهرهای مختلف جریان دارد. کارگران با اعتصابات و تجمعات و راهپیمایی و اشکال مختلف اعتراض احیای و چپاول کارفرمایان و فشار نیروهای حکومتی مقابله میکنند. برخی از حرکت های اعتراضی کارگران در روزهای اخیر به این قرار است:

تجمع کارگران شهرداری اهواز
روز ۴ شهریور جمعی از کارگران خدمات شهری و فضای سبز شهرداری منطقه ۶ اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق چند ماهه خود، در مقابل ساختمان شهرداری دست به تجمع اعتراضی زدند.

تجمع کارگران شهرداری آبادان در منطقه ۲ اهواز
صبح روز ۱۳ شهریور کارگران منطقه دو شهرداری آبادان در اعتراض به تعویق پرداخت ۴ ماه دستمزد دست از کار کشیدند و مقابل ساختمان مرکزی شهرداری شهر تجمع کردند. این کارگران به صورت پیمانی کار میکنند. زیر فشار این اعتراضات مسئولان شهرداری آبادان وعده پرداخت یک ماه از معوقات مزدی مجموعه کارگران

تمامی بخش های نیشکر هفت تپه همچنان در اعتصاب بسر میبرند

مردم منطقه و سراسر ایران تاکید کرده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است:

"شکی نباید داشت که تاراجی که در هفت تپه در جریان است با تایید و همراهی مسئولین دولتی در سطوح مختلف صورت گرفته است. در واقع کارگران هفت تپه نه تنها با کارفرما و مدیریت و حراست شرکت بلکه با فرماندار و استاندار و نیروهای انتظامی و امنیتی منطقه و حتی تهران درگیر هستند. صفی از ماموران نظام سرمایه داری در مقابل

یکسو با وعده و وعید و از سویی با تهدید و احضار نمایندگان کارگران تلاش میکنند تا بلکه صف متحد اعتراض کارگران را در هم بشکنند. در برابر این دسیسه ها سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با انتشار بیانیه ای در نهم شهریور تحت عنوان "اتحاد و همبستگی، تنها تضمین پیروزی مبارزات هفت تپه است" بر حیاتی بودن حفظ اتحاد و همبستگی کارگران اعتصابی و حمایت از این مبارزات توسط خانواده ها و مردم و اهالی هفت تپه، شوش و کارگران و

دو هفته از اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه میگذرد و اعتصاب آنان همچنان ادامه دارد. اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه به تعویق پرداخت سه ماه دستمزد و دیگر مطالباتشان و اساساً علیه زد و بندهای پشت پرده برای بالا کشیدن زمینهای این مجتمع و خصوصی کردن ها و در نتیجه به نابودی کشاندن زندگی هزاران خانواده کارگری است. در برابر اعتراضات قدرتمند این کارگران، مقامات استان و مدیریت همه به صف شده اند و از

ولقمان مرادی و همچنین کمپین نجات رامین حسین پناهی در کنار و همراه خانواده های آنها بوده ام، از شما از همه احزاب سیاسی در ایران و احزاب در کردستان و همچنین شخصیت های سیاسی و سازمانهای مخالف اعدام دعوت میکنم، برای مقابله با اجرای حکم اعدام این سه فعال سیاسی هر کاری میتوانید انجام بدهید. حکم اعدام این سه فعال سیاسی را محکوم کنید. متحدانه به میدان بیایید تا مانع اجرای این جنایت بشویم.

وقت تنگ است و باید فوری کاری کرد. فراخوان من به همه شما اینست که بهر طریق ممکن و علنی این اقدام جنایتکارانه را محکوم کرده و متحدانه بپای خیزید. اقدام همه ما باید چنان قوی و صدای ما علیه اعدام چنان رسا باشد، اگر جمهوری اسلامی دست به چنین اقدام جنایتکارانه ای زد بدانند که با کاشتن

باد طوفان درو خواهد کرد.
مینا احدی
۷ سپتامبر ۲۰۱۸
۱۵ شهریور ۱۳۹۷
Minaahadi26@gmail.com
00491775692413

نشانده در صفوف ما کارگران رخنه کنند، ما را خسته، کلافه و یا مرعوب کنند و به اتحاد و عزم ما برای نجات هفت تپه و برای آینده خودمان و فرزندانمان ضربه وارد کنند. در این بیانیه همچنین بر حمایت کارگران از سندیکای نیشکر هفت تپه و شورای نمایندگان منتخب کارگران که دستاوردهای مهم مبارزاتشان هم برای خود آنان و هم برای جنبش کارگری است، تاکید شده است. در نهایت نیز اتمام حجت

بیانیه همبستگی سعید نعما دبیر کل فدراسیون اتحادیه های کارگری در عراق با کارگران بازداشت شده در ایران



سعید نعما دبیر کل فدراسیون عمومی اتحادیه های کارگران و کارمندان در عراق و عضو شبکه همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا طی بیانیه ای در همبستگی با کارگران زندانی در ایران، بازداشت و سرکوب کارگران و فعالیت اجتماعی را محکوم کرده و خواستار آزادی آنها شده است. در این بیانیه ضمن محکوم کردن سرکوبگری های جمهوری اسلامی بعنوان نقض آشکار حقوق بشر و کنوانسیون های بین المللی خواستار آزادی تمامی دستگیر شدگان شده است. متن ارژینال بیانیه به زبان عربی و ترجمه آن به انگلیسی

جدداً گانه منتشر شده است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی زنده باد همبستگی جهانی کارگری
<http://free-them-now.com/Shahla.daneshfar2@gmail.com>
 ۱۵ شهریور ۹۷، ۶ سپتامبر ۲۰۱۸

بیانیه همبستگی سعید نعما با کارگران بازداشت شده در ایران نه به سرکوب و دستگیری

ما از نزدیک بازداشت فعالان معلمان و کارگران در ایران را دنبال می کنیم. سرکوب، بازداشت و محروم کردن مردم از آزادی ها محدودیت آشکار آزادی بیان و نقض آشکار از حقوق بشر است که در معاهدات و کنوانسیون های بین المللی مورد تاکید قرار گرفته است. ما از تمام سازمان های انسان دوست می خواهیم که در کنار فعالین در ایران قرار بگیرند و برای آزادی آنها و احترام به آزادی عقیده و حقوق بشر به دولت فشار بیاورند.

آزادی برای فعالان ایرانی!

زنده باد مبارزه مردم برای آزادی، عدالت و برابری!

نه به سرکوب، آزار و اذیت و بازداشت!

سعید نعما ناصر

رئیس فدراسیون عمومی اتحادیه های کارگری و کارمندان عراق

تمامی بخش های نیشکر هفت تپه

از صفحه ۸

بیانیه سندیکای نیشکر هفت تپه با کارفرما و مقامات دولتی اینست که تنها پاسخ قابل قبول برای کارگران پرداخت کامل حقوق و مزایای آنها و توقف روند تجزیه کشت و صنعت هفت تپه و به تاراج بردن آن توسط بخش خصوصی است. بیانیه سندیکای نیشکر هفت تپه بیش از پیش نقش و جایگاه تشکلهای مستقل کارگری در رهبری و حفظ اتحاد قدرتمند کارگران در مبارزاتشان را مقابل چشمها قرار میدهد. این بیانیه به کارگران راه نشان میدهد و کام بزرگی کل جنبش

کارگری را به جلو میبرد.

فعالانه از مبارزات و بیانیه کارگران نیشکر هفت تپه حمایت کنیم و صف آنها را در مقابل سرمایه داران مفتخور و حکومتشان تقویت کنیم.

اعتراضات کارگران هفت تپه به مقطع حساسی رسیده است و نیازمند وسیعترین حمایت هاست.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ شهریور ۹۷، ۲ سپتامبر ۲۰۱۸

گزارشی درباره اعتراضات ...

از صفحه ۳

میراثب جهنمی تر کرده است.

احزاب و سازمانهای چپ، کمونیست و سکولار در عراق وظایف مهم و سرنوشت سازی را پیش رو دارند. تبیین و تنظیم

پلتفرمهای روشن در باره اوضاع سیاسی عراق و روندهای کنونی، ابراز وجود عملی آنها، نزدیکی بیشتر به فعالین جنبشهای اعتراضی، کمک به سازمانیابی اعتراضات توده ای از طریق تشکل های نظیر شوراها، در اوضاع و شرایط کنونی ضرورتی صد چندان

دارد. احزاب، نیروهای چپ، کمونیست ها و نیروهای سکولار وظایف خطیری بعهده دارند. تشکیل شوراها سازماندهی اعتراضات از فوری ترین وظایف این نیروهاست.

عبدل گلپریان

۶ سپتامبر ۲۰۱۸

۱۵ شهریور ۹۷



اسلامی مورد حمله مردم قرار گرفته بود. مقرهای حزب الدعوه، سازمان بدر، عصائب اهل حق و کتائب حزب الله و مراکز رادیو و تلویزیون و محل اقامت استاندار از جمله مراکزی است که در سه روز گذشته توسط مردم آزادیخواه عراق به آتش کشیده شده است زنده باد همبستگی مبارزاتی مردم ایران و عراق

مردم خشمگین عراق در بصره کنسولگری جمهوری اسلامی را بعنوان لانه فساد به آتش کشیدند. مردم معترض در بصره در ادامه اعتراضات خود در روزهای اخیر، امروز جمعه در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی تجمع کردند و ضمن شعارهای تند علیه جمهوری اسلامی ساختمان کنسولگری را به آتش کشیدند. قبل از آن مراکز متعدد دولتی و ساختمان احزاب اسلامی نزدیک به جمهوری

۹۸ منطقه ویژه اقتصادی، ...

از صفحه ۷

در جنگ و دعوای حکومتی که پیرامون دزدی قاچاق و فساد در جریان میباشد، بیش از نیمی از پرونده هایی که تشکیل شده است، پرونده های رسیدگی به قاچاق در این مناطق می باشد. برای نمونه اینها صحبت از "اسکله های غیرمجاز" وابسته به سپاه کرده اند. این اسکله ها در بندر رجایی بزرگترین بندر حکومت که تحت کنترل سپاه می باشد، قرار دارند علاوه بر این در بنادر چاه بهار، کنگان، ماهشهر، اسکله های مخفی سپاه در جزیره قشم، لاوان و ابوموسی، اروند رود، مناطق آزاد دریای خزر و ... می باشند که همگی در مناطق ویژه اقتصادی حکومت قرار دارند. در مناطق مرزی، مناطق آزاد مرزی را راه انداخته اند. این مناطق تقریباً در اکثر مرزهای پرتردد کشور برپا شده و تحت کنترل نیروهای مرزبان سپاه و بسیج می باشند. مناطق تجاری آزاد مرزی هم زیر نظر همان شورای

عالی مناطق ویژه اقتصادی می باشد. گمرک حکومت در کنترل و ثبت و ربط واردات و صادرات در این مناطق با همکاری سپاه مشغول کار است. مناطق ویژه اقتصادی یا مناطق آزاد اقتصادی و تجاری عمدتاً در دست باندهای قدرتمند سپاه و نهادهای امنیتی حکومت می باشند. قاچاق رسمی و قانونی از طریق این مناطق، واردات بدون نظارت و کنترل، احتکار کالاهای وارداتی برای بالابردن قیمت، واردات سفارشی برای باندهای حکومتی و نهادهای امنیتی و ... کار اصلی این مناطق می باشد. ادعاهای حکومت نظیر ایجاد اشتغال، رشد و توسعه و ... دروغی بیش نیست. اگر اشتغالی هم ایجاد شده، اشتغال برای برادران قاچاقچی سپاهی و وزارت اطلاعات و باندهای دولتی بوده است. کسانی که در این مناطق شاغل هستند همه وابسته به

نهادهای حکومتی و دولتی می باشند.

تصویب طرح ایجاد ۹۸ منطقه ویژه اقتصادی و تجاری آزاد، بخش دیگری از ادامه سیاستهای تاکنونی جمهوری اسلامی چیزی به جز رسمیت دادن به قاچاق قانونی، برای تامین هزینه های ریالی حکومت و دم و دستگاش به بهانه "اقتصاد مقاومتی" نیست. "اقتصاد مقاومتی" اینها سازماندهی و راه اندازی این مناطق برای گسترش فساد، دزدی، قاچاق، کنترل صادرات و واردات، قبضه کردن بازار، بالابردن هر روز قیمت ها و تضمین ادامه درآمد های نجومی کل نظام و باندهایش می باشد. جمهوری اسلامی حکومت قاچاقچیان ارزو کالا، دزدان و چپاول گران سازماندگان دزدبهای سرسام آور می باشد.

با فضای نظامی، امنیتی و علیه دستگیری ها در شهرهای کردستان مقابله کنیم

دستگیر شدگان نام سیروان هوشمند گزارش شده است. پس از ۳۵ روز بی خبری از سرنوشت آرمان غفوری، شک و تردیدها حول وضعیت سلامتی او زیر شکنجه‌های مراکز سرکوبگر حاکمیت موجی از نگرانی و اخبار مختلف را دامن زده است، هیچ نهاد دولتی حاضر به پاسخگویی و دادن اطلاعات صحیح نسبت به سلامتی و مکان زندانی شدن او نیست.

مردم مبارز شهرهای کردستان! حکومت جنایتکار اسلامی با دستگیری فعالین کارگری و اجتماعی و با امنیتی و نظامی کردن شهرهای کردستان، عمق وحشت و ترس خود از اعتراضات شما را به نمایش گذاشته است. نهادهای حکومتی تظاهراتی توده‌ای و با شکوه شما در شهر مریوان در روزهای ۳ و ۴ شهریور را که در گرامیداشت چهار جانباخته حادثه دلخراش آتش سوزی حومه شهر در اطراف سله سی و پیله برگزار شد، تجربه کرده اند. آنها شاهد یکی از رادیکال ترین کوه پیمایی صدها زن و مرد جوان در سنندج بودند. شرکت و حمایت و همبستگی سراسری فعالین اجتماعی از مبارزات و تظاهرات شما در شهرهای سنندج و مریوان جلوه ای دیگر از ابراز قدرت مردم را به نمایش گذاشت.

حکومت اسلامی تنفر عمیق و نارضایتی توده ای مردم کردستان را طی ۴ دهه گذشته تجربه کرده است. حکومت کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۱۳ شهریور ۱۳۹۷ ۴ سپتامبر ۲۰۱۸

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه است
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
آف ای سی : 5/6

زنده باد صف مردم آزادیخواه علیه نژادپرستی در شهر کمنتس آلمان

شهر کمنتس در شرق آلمان نزدیک به یک هفته است شاهد رویاری مردم آزادیخواه با جریانات راسیست می باشد. راسیست ها و فاشیست ها کشته شدن یک فرد آلمانی در جریان یک جشن در این شهر را بهانه قرار داده و تحرکات خارجی ستیزی شان را گسترش داده اند. این جریانات در سه روز اول در کناری عملی پلیس موفق شدند کنترل برخی خیابانهای این شهر را در دست گرفته و دست به تعرض و ایجاد جو رعب و وحشت علیه خارجیان بزنند. اما در مقابل تحرك فاشیست ها جبهه متحلی از احزاب و سازمانهای ضد فاشیست و مردم آزادیخواه در طول هفته گذشته در مقابل فاشیست ها در شهر کمنتس صف آرایی کرد. از جمله روز ۳ سپتامبر کنسرت بزرگی با شرکت ۶۵ هزار نفر علیه راسیسم و نژاد پرستی در این شهر برگزار شد.

مقامات دولت محلی ایالت زاكسن در چند روز اول تحرك جریانات راسیست عملا ساکت بوده و حتی پلیس برای تامین امنیت تظاهرات مخالفان راسیستها، نیروی کافی در اختیار نگذاشت. این عمل پلیس با انتقادات فراوان روبرو شده و احزاب و جریانات ضد فاشیست، پلیس رابه همسویی با این دار و دسته ها متهم کرده اند. لازم به توضیح است که جریانات راسیست و ضد خارجی در پارلمان زاكسن حضور دارند.

تحرك راسیستها و فاشیستها يك نتیجه بلافضل سیاست های ضد پناهندگی دولت محلی زاكسن در ایجاد محدودیت و موانع بسیار زیاد

برای اقامت پناهیجویان در این ایالت است. این سیاست ضد پناهندگی دولت محلی، جریانات نژاد پرست را به صرافت جو سازی و سازماندهی حمله علیه مهاجرین برای تعیین تکلیف با مهاجرین انداخته است. مقاومت و مبارزه برعلیه راسیسم و نژاد پرستی و جلوگیری از تحرکات این باندهای خطرناک يك امر عاجل و فوری جنبش ضد راسیستی و ضد نژاد پرستی است. این جنبش فی الحال علیرغم بهانه گیری پلیس، سدی دفاعی در مقابل تعرضات راسیستها و در دفاع از حق کار و اقامت برای مهاجرین را سازمان داده است.

کمیته آلمان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن حملات و تحرکات باندها و دار و دسته های راسیست و فاشیست علیه مهاجرین، از کلیه مهاجرین و از تمامی نهادها و مردم انسان دوست و آزادیخواه می خواهد صف مبارزه بر علیه فاشیسم و نژاد پرستی را هرچه بیشتر تقویت کنند. دولت محلی زاكسن موظف است امنیت و زندگی مهاجرین را تامین کند. هرگونه کوتاهی دولت محلی در این امر، نظیر آنچه در روزهای گذشته در کمنتس شاهد بودیم، عملا باز گذاشتن دست دارو دسته های فاشیست در ارتکاب جنایت برعلیه مهاجرین خواهد بود.

نه به نژاد پرستی
زنده باد همبستگی انسانی
تشکیلات خارج کشور حزب
کمونیست کارگری ایران / آلمان
۳ سپتامبر ۲۰۱۸

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

کودک زبانه گرد در راس خبرها

از صفحه ۴

خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی و سرمایه داران مفتخور و چپاولگر به مسکن و معیشت مناسب و شادی و رفاه که حق بی چون و چرای همه انسانها مستقل از زادگاه و نژاد و سن و جنسشان است دست یابند.

طبق گزارشهای منتشر شده، در شهرهای سنندج و مریوان نیروهای انتظامی فضای این شهرها را نظامی کرده و اقدام به احضار و دستگیری تعدادی از فعالین اجتماعی کرده اند. امید اسدی از فعالان مدنی و کارگری، صبح روز ۳۰ مرداد ۹۷ در شهرستان کامیاران توسط نهادهای امنیتی بازداشت و در مکان نامعلومی بدون ملاقات در بازداشت بسر میبرد و جهت تفهیم اتهام به دادگاه برده شده است. در سنندج؛ جمال اسدی از اعضای گروه کوهنوردی "چل چه مه" و از فعالین زیست محیطی شهر سنندج پنج شنبه ۸ شهریور توسط نهاد های امنیتی احضار میشود. بر اساس احضاریه شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج، خلیل کریمی کارگر ساختمانی و از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران در شهر سنندج باید روز ۱۹ شهریور جهت رسیدگی به پرونده اش، خود را به آن شعبه معرفی کند.

مظفر صالح نیا و خالد حسینی، دو تن از فعالین کارگری، روز سه شنبه ۱۳ شهریور در سنندج از سوی ماموران امنیتی بازداشت شدند. بهنام ابراهیم زاده، دیگر فعال کارگری نیز از ۲۶ مرداد در بازداشتگاه سپاه کرمانشاه در بازداشت است. (۹ شهریور)، نیروهای امنیتی و اطلاعاتی در مریوان، به تجمع مدنی جوانان این شهر مقابل دکه شریف باجور یورش برده و دست کم ۱۰ نفر را بازداشت کردند. در میان